

ارائه راهبردهای توسعه خلاقیت و نوآوری در کلاس‌های چند پایه و تلفیقی

سید عابدین خدادادی سنگتراشانی^۱

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر ارائه راهبردهای توسعه خلاقیت و نوآوری در کلاس‌های چند پایه و تلفیقی می باشد. در این تحقیق از روش توصیفی-پیمایشی برای پاسخگویی به سوالات تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل معلمان دوره ابتدایی شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می باشند. که طبق فرمول کوکران، تعداد ۷۴ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های مورد نیاز در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. که روایی محتوایی آن بر اساس نظر متخصصان مدیریت تأیید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۱ محاسبه گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش توصیفی مشخصه های آماری و در بخش استنباطی به منظور پاسخگویی به سوالات پژوهش از مجذور کای استفاده شد. نتایج در سؤال یک تا چهار پژوهش (اهداف، محتوا، روش تدریس، روش ارزشیابی الگوی مطلوب برنامه درسی برای کلاس های چند پایه و تلفیقی به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی) نشان داد که دیدگاه افراد مورد مطالعه در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت با یکدیگر معنادار بوده است. همچنین انسانی فکر کردن، علمی برنامه ریزی نمودن و حرفه ای عمل کردن آموزش و پرورش در رویکرد تلفیق، جدا کردن نرم تشکیل کلاس های تک پایه از کلاس های چند پایه و تلفیقی از اهم پیشنهاد های پژوهش حاضر است.

کلیدواژه ها: خلاقیت، نوآوری، کلاس های چند پایه و تلفیقی

^۱ دکترای علوم قرآن و حدیث S.razaghi63@gmail.com

۱- مقدمه

با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه نیازمند آموزش و مهارت‌هایی است که با کمک آن‌ها بتواند همگام با توسعه علم و فناوری پیش برود. هر انسانی به یک انداره علم و تجربه دارد که دیگری آن را ندارد (گنجی و همکاران، ۱۳۹۱). هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس که در پوشه ذهن او نهفته است پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می‌آید که انگیزه‌های قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می‌شود و در نهایت سبب می‌شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آن‌ها جاری شود که این همان زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود. دانشمندان، خلاقیت و نوآوری را به صورت‌های متعدد و متنوعی تعریف کرده‌اند که هر یک به نوعی، روشنگر بعدی از خلاقیت و نوآوری است. خلاقیت، عبارت است از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد بک فکر با مفهوم جدید، خلاقیت فرایند تکامل بخشیدن به دیدگاه‌های بدیع و تخیلی درباره موقعیت‌های مختبف تعریف شده است (گریسون^۲، ۲۰۱۱). از طرفی فرایندی که کارآفرین با یک ایده خلاق و برخوردار از جوانب کاربردی قابلیت ایجاد بک ارزش جدید را از طریق تولید یک کالا ویژه و یا از طریق منابع نو کالای قبلی بدست می‌آورد، نوآوری می‌نامند. در همین راستا در نظام آموزشی کشور، وجود کلاس‌های چند پایه واقعی اجتناب ناپذیر است. شرایط سخت محیطی کمبود جمعیت دانش آموزی، کمبود نیروی انسانی و فضای آموزشی، مهاجرت طبیعی یا اجباری و وجود مشکلات و مسایل متعدد مالی و اقتصادی از عواملی هستند که امکان تشکیل واحد آموزشی را با کلاس‌های تک پایه محدود می‌سازند (عرفانی آباد و همکاران، ۱۳۹۲). کلاس چندپایه با برنامه رویکرد تلفیقی نزدیکی خوبی دارد. چون که شیوه‌ی تلفیقی به تدریس و یادگیری فراگیران، کل نگرانه می‌اندیشد. در رویکرد تلفیقی، ترکیبی از موضوعات درسی وجود دارد. نه یک ماده‌ی خاص درسی برای یک پایه در یک جلسه آموزشی. بنابراین روش تلفیقی با فراوانی قابل قبولی در کلاس چند پایه قابل استفاده است (کالایان و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

امروزه بسیاری از دست اندرکاران آموزش و پرورش و متخصصان برنامه درسی به رویکرد تلفیق توجه ویژه‌ای داشته‌اند. توجه آنان با تجربه طراحی برنامه درسی تلفیقی در دوره ابتدایی و حتی پیش از آن آغاز شد و به برنامه‌های درسی دوره راهنمایی و متوسطه نیز گسترش یافته است. متفکرانی که به این موضوع علاقه دارند و رویکردها و روش‌هایی معرفی کرده‌اند، بی‌شمارند. برای مثال جان دیویی^۴ در سال ۱۸۹۶ برای پیوند اجزای برنامه درسی و ارتباط میان، مدرسه و جامعه، مدرسه وابسته به دانشگاه شیکاگو را تأسیس کرد. محتوای کتاب‌های درسی به طور معمول، با موضوع‌های مجزا تدوین و سازماندهی می‌شود. برای مثال مباحث درسی کتاب علوم پایه اول راهنمایی در چهار بخش مجزا ارائه شده است و دانش آموزان نیز مطالب درسی را به صورت کاملاً جدا از هم یاد می‌گیرند. همچنین پیشرفت علم و فن آوری، گسترش نیازهای فرد و جامعه و اهمیت روز افزون ارتباط برنامه‌های درسی با جامعه و بازار کار، ضرورت تغییر برنامه‌های درسی که به موضوعات درسی و موضوع‌های مجزا اتکا دارند را به رویکردهایی که این ارتباط را آشکار کنند، بیش از پیش می‌نمایاند. با توجه به اهمیت کلاس‌های چند پایه و تلفیقی، پژوهش‌هایی چه در داخل و خارج کشور در رابطه با این موضوع انجام شده است. به عنوان نمونه مرتضوی و همکاران^۵ (۱۳۹۴)، به بررسی و روش‌های تدریس تلفیقی در مدارس چند پایه پرداختند. یافته‌ها نشان داد که دریافت آموزش در کلاسی که معلم از این الگو استفاده می‌کند علاوه بر افزایش یادگیری می‌تواند درباره مراحل رشد اجتماعی، شناختی اخلاقی انفرادی و رفتاری خود آگاهی یابند. بر همین اساس به ارائه یک الگوی ترکیبی برگرفته از الگوهای تدریس پیش سازمان‌دهنده، استقرانی، دریافت مفهوم کاوشگری، بدیعه پردازی، یاران در یادگیری، انفرادی و سیستم رفتاری برای تدریس در کلاس‌های پرداخته و بررسی شد.

^۱Innovation
^۲Creativity
^۳Grierson
^۴Kalaian et al
^۵John Dewey

احمدی و مهدی آبادی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان طراحی برنامه درسی تلفیقی در کلاس‌های چندپایه به بررسی نحوه تهیه کتاب‌های درسی با رویکرد تلفیقی در کلاس‌های چندپایه جهت رفع مشکل کمبود وقت و حجم زیاد کتاب‌های درسی پرداخته است و راهکار پیشنهادی پژوهشگران برای رفع این مشکل، تدوین کتاب‌هایی با رویکرد تلفیقی و جدا سازی کتاب‌های اینگونه مدارس از مدارس عادی است.

جین (۲۰۱۴)، بیان می‌کند که کودکان به برنامه‌های درسی که آن‌ها را با تجربه‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه کرده و هیجان‌زده نماید، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌هایی مستلزم وجود معلم‌ان خلاق هست؛ به عبارت دیگر، دانش آموزان خلاق به معلم‌ان خلاق نیاز دارند. معلمانی که بتوانند محیطی را فراهم نمایند که ضمن برخورداری از نظم و ترتیب، برانگیزنده تخیل و تجسم، کنجکاوی و ماجراجویی باشد. اینگونه محیط‌های آموزشی در شیوه‌های آموزش تلفیقی هویدا می‌شوند

نیوتن و دانکین (۲۰۱۱)، یافته‌های پژوهشی این دو ضمن اینکه مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت هست، بیانگر این که محیط‌های آموزشی برانگیزنده خلاقیت، باعث افزایش قدرت ایده پردازی و اعتماد به نفس می‌شوند و این خلاقیت ناشی از تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی است. تدریس چند پایه به نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می‌شود که در آن دانش آموزان چند پایه در یک کلاس توسط یک معلم آموزش داده می‌شوند و یا اینگونه می‌توان تعریف کرد که منظور از آموزش چند پایه، موقعیت‌هایی است که در آن‌ها دانش آموزانی که از نظر سن و توانایی متفاوت هستند همه در یک کلاس آموزش می‌بینند. تدریس با رویکرد تلفیقی در هم آمیختن موضوعات درسی یا همان حوزه‌های محتوایی مواد درسی مختلف در یک یا چند پایه است از آن جا که دانش آموزان چندین پایه در یک کلاس آمیخته و مجموعه‌ی ترکیبی اند، و با یک معلم واحد روبرو هستند. برنامه درسی تلفیقی همخوانی بسیار خوبی با این نوع از کلاس‌ها دارد. زیرا که اتفاقاً شرایط و موقعیت لازم و مطلوب را برای ایجاد زمینه‌های یادگیری عمیق و مادام‌العمر دانش آموزان فراهم می‌سازد موضوع تلفیق از مهمترین مباحث در حوزه برنامه‌ریزی درسی شناخته شده است. برنامه تلفیقی عبارت است از مجموعه تجربه‌های یادگیری برنامه‌ریزی شده که نه تنها با نگاهی کل‌نگر مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش مشترک را به صورت الگو، نظام و ساختار در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهد، بلکه توانایی یادگیرنده را برای دریافت و یا کشف ارتباط‌های نو افزایش داده و از آن طریق او را به سوی خلق الگوها، نظام‌ها و ساختارهای جدید سوق می‌دهد. یا به عبارت دیگر منظور از تلفیق برنامه درسی ارتباط دادن و درهم آمیختن محتوای برنامه درسی به منظور تحقق هدف انسجام تجربیات یادگیری فراگیران است. در همین راستا با توجه به اهمیت کلاس‌های چند پایه و تلفیقی در خلاقیت و نوآوری دانش آموزان هدف از مقاله حاضر ارائه راهبردهای توسعه خلاقیت و نوآوری در کلاس‌های چند پایه و تلفیقی می‌باشد. همچنین در همین راستا سؤال‌های پژوهش در این مطالعه به شرح ذیل می‌باشند.

۱- اهداف مطلوب برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام اند؟

۲- محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام اند؟

۳- روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام است؟

۴- روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام است؟

۲- روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر اهداف، کاربردی و از نظر روش به دلیل اینکه به وضعیت آنچه رخ داده است توجه دارد تو صیفی و چون از روش پرسشنامه‌ای استفاده می‌نماید پیمایشی است. در این تحقیق از روش پیمایشی جهت گرد آوری اطلاعات استفاده شده است، لذا آن

^۱Jean
^۲Newton
^۳Donkin.

را می‌توان در زمره تحقیق‌های میدانی قرارداد. جامعه آماری پژوهش شامل معلمان دوره ابتدایی شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند. که طبق فرمول کوکران، تعداد ۷۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در جدول ۱ توزیع فراوانی جامعه آماری معلمان دوره ابتدایی شهر ساری (بر اساس فرمول کوکران) نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی جامعه آماری معلمان دوره ابتدایی شهر ساری (بر اساس فرمول کوکران)

دوره	نوع مدرسه	مدارس دولتی دخترانه	مدارس دولتی پسرانه	مدارس غیردولتی دخترانه	مدارس غیردولتی پسرانه
ابتدایی		۲۴	۲۳	۱۱	۱۶

ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته بود، پرسشنامه‌ای حاوی ۱۴۰ سؤال به سبک لیکرتی طراحی گردید؛ و این پرسشنامه بین جامعه آماری به منظور پاسخگویی، توزیع و جمع‌آوری گردید. مقدار روایی محتوایی پرسشنامه برابر با ۰/۴۹۳ که در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده است. و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۵۱ مورد تایید قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، نمودار و اندازه‌های گرایش مرکزی شامل میانگین، انحراف معیار به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها و ویژگی‌های آزمودنی‌ها و برای تحلیل سؤالات پژوهش از روش آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی جهت بررسی روایی و رابطه بین متغیرها، ضریب آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها و به منظور اثر سنجی نظرات معلمان از مجذور کای نیز استفاده شده است.

۳- یافته‌ها (تجزیه و تحلیل):

الف) ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

در بخش توصیفی جمعیت شناختی پژوهش متغیرهایی نظیر (جنسیت، سن، میزان تحصیلات و سابقه کاری)، مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج فراوانی جنسیت پاسخ‌گویان نشان داد بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ‌دهندگان مرد بوده است. نتایج فراوانی سابقه خدمت پاسخ‌گویان نشان داد که اکثر پاسخ‌دهندگان سابقه کاری ۲۰-۱۱ (۴۷/۰۵٪) هستند. نتایج فراوانی مدرک تحصیلی پاسخ‌گویان نشان داد ۵۲ نفر از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس، ۲۲ نفر دارای مدرک فوق لیسانس هستند.

ب) تحلیل داده‌ها (آزمون‌های آماری)

سؤال اول پژوهش: اهداف مطلوب برنامه درسی برای کلاس‌های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام اند؟

بر اساس نتایج به دست آمده همانگونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود دیدگاه معلمان در مورد اهداف برنامه درسی برای کلاس‌های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت ارائه شده است. در مؤلفه دانش: ایجاد سواد رسانه‌ای مختلف در فراگیر، آشنایی با سَنَ زیباشناسی در فراگیر، آشنایی با میراث فرهنگی و پرورش حواس پنجگانه در فراگیر و غیره. در مؤلفه نگرش: توجه به پرورش کلّ شخصیت کودک، توجه به علاقه‌های زیبایی‌شناسی یادگیرنده، پرورش خلاقیت در فراگیر، پرورش قوه شهود در فراگیر و غیره. در مؤلفه مهارت: توسعه نگرش کودک نسبت به محیط‌زیست، توجه به جنبه‌های هنری یادگیرنده، افزایش توان و قدرت بیان یادگیرنده، استفاده از احادیث در همه حوزه‌های یادگیری و غیره. می‌باشند. بر اساس نتایج به دست آمده بین توزیع دیدگاه‌های معلمان در مورد اهداف مطلوب برنامه درسی برای کلاس‌های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی تفاوت معناداری وجود دارد و مقدار مجذور کای مشاهده شده برابر با ۲۷/۴۶۷ می‌باشد که در سطح ۰/۰۵ معنادار است. این نکته نشان می‌دهد که از لحاظ آماری فراوانی‌های مشاهده شده در افراد پاسخ‌دهنده حاصل شانس و خطا نیست و اکثر نمونه‌های پژوهش در اهداف برنامه درسی نظر، متوسط و زیاد دارند با این تفاوت که درجات تأکید بر اهمیت متفاوت است.

جدول ۱: توزیع فراوانی مشاهده شده از دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد اهداف مطلوب برنامه درسی برای کلاس های چندپایه به

منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی

زیاد		متوسط		کم		شاخص جامعه آماری
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۵۱/۳۵	۳۸	۴۱/۸۹	۳۱	۶/۷۶	۵	معلمان

$$Ob = ۲۷/۴۶۷$$

$$P < ۰/۰۰۰$$

$$D = ۱$$

سؤال دوم پژوهش: محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی کدام اند؟

همانگونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود دیدگاه معلمان در مورد محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت ارائه شده است. در مؤلفه دانش: دقت نظر به همه سطوح و انواع زیبایی ها در حین بهره گیری از آنها، آموزش محتوای مورد نظر با به کارگیری الگوهای تدریس مشارکتی به تناسب موضوع، تطبیق فعالیت آموزشی با ویژگی های شناختی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان و غیره. در مؤلفه نگرش: توجه به فرهنگ محلی، نگاه انتقادی به مسائل روزمره زندگی، پرورش حواس پنجگانه کودک با اصول کودک محوری و اصول بازی محوری، توجه به مسائل دینی دانش آموز با فطرت خداجویی و غیره. در مؤلفه مهارت: تعادل محتوا با حیطه های مختلف یادگیری، توجه به حواس پنجگانه و به کارگیری آنها به صورت ترکیبی از سوی محتوا، آشنایی معلم با فنون هنری و زیباشناسی، ارتباط محتوا با زیبایی های خلقت و غیره می باشند. بر اساس نتایج به دست آمده بین توزیع دیدگاه های معلمان در مورد محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت با یکدیگر تفاوت دارد و این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است این مطلب مبین آن است که از لحاظ آماری فراوانی های مشاهده شده افراد پاسخ دهنده حاصل شانس و خطا نیست و اکثر نمونه های پژوهش در محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی نظر، متوسط و زیاد دارند با این تفاوت که درجات تأکید بر اهمیت متفاوت است.

جدول ۳: توزیع فراوانی مشاهده شده از دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس-

های چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی

زیاد		متوسط		کم		شاخص جامعه آماری
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۴۳/۲۴	۳۲	۴۳/۲۴	۳۲	۱۳/۵۱	۱۰	معلمان

$$Ob = ۱۷/۸۶۰$$

$$P < ۰/۰۰۵$$

$$D = ۱$$

سؤال سوم پژوهش: روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی کدام است؟

همانگونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود دیدگاه معلمان در مورد روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت ارائه شده است. در مؤلفه دانش: زیبا سازی فضای فیزیکی در تدریس، شاداب سازی فضای فیزیکی در تدریس، پیشبینی مکان آزاد برای رفتار و فعالیت‌های فردی در تدریس، توجه به میزان هماهنگی بین تمام قسمت‌های برنامه درسی در ارزشیابی برنامه درسی در تدریس و غیره. در مؤلفه نگرش: زیبا سازی فضای عاطفی، روانی، اجتماعی در تدریس، شاداب سازی فضای عاطفی در تدریس، آراستگی مناسب معلم و استفاده از لباس مناسب در آیام خاص در تدریس، ایجاد تزکیه در وجود شاگرد در تدریس و غیره. در مؤلفه مهارت: آشنایی معلم با قابلیت هنر در تدریس، آشنایی معلم با قابلیت زیباشناسی در تدریس، تأکید بر روش تفکر فراگیر در تدریس، انجام فعالیت‌های عملی و فعال و غیره. می‌باشند. بر اساس نتایج به دست آمده بین توزیع دیدگاه‌های معلمان در مورد روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی برای کلاس‌های چندپایه در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت با یکدیگر تفاوت دارد. تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مرجع از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ به عبارت دیگر از لحاظ آماری فراوانی مشاهده شده از دیدگاه افراد پاسخ دهنده حاصل شانس و خطا نیست و اکثر نمونه‌های پژوهش نسبت به روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی نظر، متوسط و زیاد دارند با این تفاوت که درجات تأکید بر اهمیت متفاوت است.

جدول ۴: توزیع فراوانی مشاهده شده از دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد روش تدریس مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس

چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی

شاخص		متوسط		کم		جامعه آماری
		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
زیاد	درصد فراوانی	۳۵	۲۴	۲۰/۲۷	۱۵	معلمان
	فراوانی	۳۲/۴۳	۴۷/۳۰			

$$Ob = 23/467$$

$$P < 0/000$$

$$D = 1$$

سؤال چهارم پژوهش: روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره‌ی ابتدایی کدام است؟

همانگونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود دیدگاه معلمان در مورد روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی در سه مؤلفه دانش، نگرش و مهارت ارائه شده است. در مؤلفه دانش: پیشبینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه تصویر، طرح و غیره از سوی دانش‌آموزان در ارزشیابی، توجه در ارزشیابی همزمان بر نتیجه و فرایند، استفاده از رویکرد کیفی در ارزشیابی، مطرح کردن موضوع و پژوهش‌های مربوط به عنوان درسی در ارزشیابی، ترغیب فعالیت‌های گروهی هم یارانه بجای یادگیری انفرادی، آموزش مهارت‌های اولیه زندگی در کودک و غیره. در مؤلفه نگرش: فراهم نمودن رضایت درونی یادگیرنده راجع به یادگیری در ارزشیابی، دقت به بُعد زیباشناسی آثار دانش‌آموزان هنگام ارزشیابی آن آثار، تقویت امید در یادگیرنده هنگام ارزشیابی، تقویت عزت‌نفس در یادگیرندگان هنگام ارزشیابی و غیره. در مؤلفه مهارت: اختیار شاگرد در ارزشیابی، آزادی شاگرد در ارزشیابی، استفاده از کارشناس هنر در گروه برنامه‌ریزی درسی در ارزشیابی، استفاده از نظرات مشاور زیباشناسی در مدرسه در ارزشیابی و غیره. می‌باشند. دیدگاه مربیان، برنامه ریزان درسی و کارشناسان در مورد روش‌های ارزشیابی در الگوی برنامه‌ریزی درسی مطلوب برای کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی با یکدیگر تفاوت دارد. تفاوت‌های

مشاهده شده بین افراد مورد مطالعه در سه بُعد دانش، نگرش و مهارت از لحاظ آماری با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت مشاهده شده از طریق تحلیل آزمون مجذور کای دو متغیری در سطح ۰/۰۵ معنادار است به سخن دیگر از نظر آماری فراوانی‌های مشاهده شده در دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی با فراوانی‌های مورد انتظار برابر نیست و این تفاوت‌ها حاصل شانس و تصادف نیست و اکثر نمونه‌های پژوهش نسبت به روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی نظر، متوسط و زیاد دارند با این تفاوت که درجات تأکید بر اهمیت متفاوت است.

جدول ۵: توزیع فراوانی مشاهده شده از دیدگاه افراد مورد مطالعه در مورد روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس چندپایه به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی

زباد		متوسط		کم		شاخص جامعه آماری
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۴۷/۳۰	۳۵	۳۲/۴۳	۲۴	۲۰/۲۷	۱۵	معلمان

$$Ob = 17/860$$

$$P < 0/005$$

$$D = 1$$

پس از مشخص شدن دامنه و تعیین شاخص میزان تناسب، میانگین پاسخ‌های پاسخ دهندگان به تفکیک شاخص‌های الگوی برنامه درسی کلاس‌های چندپایه با توجه به شاخص‌های برنامه درسی در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: میانگین پاسخ‌های جامعه آماری تفکیک شاخص‌های الگوی برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه تلفیقی به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی

مهارت	نگرش	دانش	شاخص‌ها
۲/۷	۲/۹	۲/۷	هدف‌های الگوی برنامه‌ریزی درسی
۲/۸	۲/۷	۲/۲	محتوا الگوی برنامه‌ریزی درسی
۱/۴	۲	۱/۲	شیوه‌های تدریس الگوی برنامه‌ریزی درسی
۴/۱	۳/۹	۴	شیوه‌های ارزشیابی الگوی برنامه‌ریزی درسی

همانگونه که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود در شاخص هدف‌های الگوی برنامه‌ریزی درسی بر اساس مؤلفه دانش با میانگین ۳/۷ مؤلفه نگرش با میانگین ۳/۹ و مؤلفه مهارت را با میانگین ۳/۷ با درجه مناسب ارزشیابی نمودند. در شاخص محتوا الگوی برنامه‌ریزی درسی بر اساس مؤلفه دانش با میانگین ۳/۳ نسبتاً مناسب، مؤلفه نگرش با میانگین ۳/۷ و مؤلفه مهارت با میانگین ۳/۸ را مناسب ارزشیابی نموده‌اند. علاوه بر این، در شاخص شیوه‌های تدریس الگوی برنامه‌ریزی درسی بر اساس مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت به ترتیب

میانگین‌های ۱/۴، ۴ و ۱/۴ را مناسب مورد ارزشیابی قراردادند. همچنین در شاخص برنامه‌ریزی شیوه‌های ارزشیابی الگوی برنامه‌ریزی درسی در مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت به ترتیب میانگین‌های ۳/۹، ۴/۴، ۱/۴ را مورد ارزشیابی قراردادند.

۴- نتیجه‌گیری:

هدف از این پژوهش ارائه راهبردهای توسعه خلاقیت و نوآوری در کلاس‌های چند پایه و تلفیقی می‌باشد. وجه تمایز عمده این پژوهش با مطالعات دیگری که در این زمینه یا زمینه‌های مشابه در ایران صورت گرفته است، استفاده و نظرخواهی از معلمان شاغل در کلاسهای چند پایه و تک‌پایه است. همچنین بیان دانش نظری و تجربی، ارائه چارچوب، نشان دادن الگوی تدریس و اعتبار بخشی الگوی برنامه درسی با طراحی‌های آموزشی کلاسهای چند پایه دوره ابتدایی به منظور خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان با تأکید بر رویکرد تلفیقی وجه دیگر این تمایز می‌باشد. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های ارزشمندی به دست آمده که به ذکر خلاصه‌ای از آنها پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از این مطالعه، الگویی را با رویکرد تلفیقی پیشنهاد نمود. این رویکرد در نظام تعلیم و تربیت یک ضرورت است و همه‌ی صاحب‌نظران و کارشناسان، مریمان و دست‌اندرکاران نظام آموزش ابتدایی چند پایه را برای تحقق آن می‌طلبند. الگوی برنامه درسی با رویکرد تلفیقی در این صورت، مطلوب خواهد شد که بر محور مسائل زندگی واقعی فراگیر سازماندهی شده تا او بتواند فراتر از موضوعات درسی، دانش مربوط به حوزه‌های مختلف و مرتبط با محیط زندگی خود را به‌طور گسترده مورد کاوش قرار دهد. علاوه بر آن زمینه کسب مهارت‌های عملی، بازیابی سریعتر اطلاعات، عمیق‌تر شدن یادگیری، ایجاد نگرش مثبت را ایجاد نماید. از جمله ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه درسی ویژه‌ی کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری در آموزش ابتدایی در این پژوهش عبارت‌اند از: الف: بُعد اهداف الگوی مطلوب برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری در دوره‌ی ابتدایی، ب: بُعد محتوای مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری در دوره‌ی ابتدایی. ج: بُعد روش تدریس مناسب الگوی برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری در دوره‌ی ابتدایی. د: بُعد روش ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی برای کلاس‌های چند پایه به منظور خلاقیت و نوآوری در دوره‌ی ابتدایی. نتایج و یافته‌های پژوهش انجام‌شده با پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط جین (۲۰۱۳)، اسنیوتن (۲۰۱۱)، دانکین (۲۰۱۱)، کلارک (۲۰۰۲)، پین (۲۰۰۱)، وارس (۲۰۰۰)، پاکیزه (۱۳۹۴)، احمدی (۱۳۹۴)، مرتضوی و همکاران (۱۳۹۴)، همخوان و منطبق بودند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش فنی و تخصصی بودن سؤالات پرسشنامه، مغایرت بین سطوح علمی و تخصصی و اعتقادی آموزشی و پرورشی همکاران آزمودنی‌ها و مواد پرسشنامه و مشکلات ادراکی و فنی در فرآیند تحقیق بود. اهمیت پیشنهادی پژوهش عبارت‌اند از: ۱- آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی درسی با رویکرد تلفیق باید تفکر موجود را تغییر داده و در زمینه برنامه‌ریزی درسی، انسانی فکر کرده، علمی برنامه‌ریزی و حرفه‌ای عمل کند. ۲- برای رهایی آموزش چند پایه از قیدوبندهای نظام فعلی و به دست گرفتن زمام امور به عنوان یک روش آموزشی معتبر نیازمند تغییر الگو در مبانی آموزشی، فلسفی، اجتماعی و روانشناسی آموزش‌پرورش و به رسمیت شناختن تفاوت بین کلاس‌ها و مدارس چند پایه از تک‌پایه می‌باشد.

فهرست منابع:

احمدی، پروین و مهدی آبادی، ناهید، (۱۳۹۴)، طراحی برنامه درسی تلفیقی در کلاسهای چند پایه، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی. پاکیزه، علی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پسر. سال اول دبستان. توسعه آموزش چندپایه: بهار. دوره ۶. عرفانی آداب، الهام؛ مصرآبادی، جواد؛ و زوار، تقی. (۱۳۹۲). نقش تعامل فراشناخت؛ شاخص‌های پیشرفت تحصیلی: فراتحلیل مطالعات پژوهشی زیربند در داخل کشور. مجله آموزش عالی.

گنجی، مسعود؛ زاهد بابلان، عادل؛ و معینی کیا، مهدی. (۱۳۹۱). فراتحلیل پژوهش های انجام یافته در خصوص نقش الگوهای تدریس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، مجله روانشناسی مدرس.

مرتضوی، محسن و حسن مرتضوی فانخر. (۱۳۹۴). بررسی و روش های تدریس تلفیقی در مدارس چند پایه، سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسی های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

Clark, Edward (2002). "Designing and Implementing an Integrated Curriculum: A Student Centered Approach". Holistic Education press. [<http://www.Great-ideas.org/book.htm>].

Grierson, EM (2011), Art and creativity in the global economies of education, Educational Philosophy and Theory, Vol. 43, No. 4, Pp. 336-350. (in Persian).

Jean, C, (2014), Creativity art and Learning: A psycho-social exploration of uncertainty, International Journal of Art and Design Education, Vol.32, No. 1, Pp.33-43.

Kalaian, S. A., & Kasim, R. M. (2014). A Meta-analytic Review of Studies of the Effectiveness of Small-Group Learning Methods on Statistics Achievement. Journal of Statistics Education, 22(1), 1-20.

Newton, D.P, Donkin, H 2011, Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning, International Journal of Education through Art, Vol.7, No.3, Pp.283-297.



This document was created with the Win2PDF "print to PDF" printer available at <http://www.win2pdf.com>

This version of Win2PDF 10 is for evaluation and non-commercial use only.

This page will not be added after purchasing Win2PDF.

<http://www.win2pdf.com/purchase/>